شرایط کردستان پیش از شروع جنگ تحمیلی در گفت‌وگوی «جوان» با یک رزمنده دفاع مقدس

مهاجمان مسلح برای آدم‌ربایی به داخل مرزها نفوذ می‌کردند

■ علیرضا محمدی

با شروع جنگ تحمیلی در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، نیروهای دشمن از سه استان خوزستان، ایلام و کرمانشاه وارد خاک کشورمان شدند. اما استراتژی آنها در استان کردستان، ایجاد بازدارندگی در مقابل رزمندگان و همین طور مشغول کردن نیروهای خودی توسط ضدانقلاب در این نواحی بود. بنابراین از اولین ماه‌های پیروزی انقلاب گرفته تا روزهای منتهی به شروع رسمی جنگ تحمیلی، عراق این استراتژی نظامی را در کردستان دنبال کرد. در گفت‌وگویی که با ناصر رحمتی از رزمندگان حاضر در خطه کردستان داشتیم، نگاهی به روزهای منتهی به شروع جنگ تحمیلی در کردستان انداختیم. با این توضیح که ایشان پس از شروع جنگ به کرمانشاه رفتند و در خطوط مقدم آنجا که مستقیم مورد حمله دشمن قرار گرفته بود حضور داشتند.

■■■

■ **تهییج ضدانقلاب**

رحمتی که از اواسط سال ۱۳۵۸ به کردستان اعزام شده بود و تا شروع جنگ تحمیلی در مناطق مرزی این استان حضور داشت، در خصوص شرایط کردستان پیش از جنگ تحمیلی می‌گوید: برخی از مناطق کردستانات قبل از پیروزی انقلاب تمایلات جدایی طلبانه داشتند. وقایع تاریخی مثل تشکیل جمهوری مهاباد در دهه ۱۳۲۰ خورشیدی نشان می‌دهد یک عده سعی داشتند تمایلات جدایی طلبانه را بین مردم این منطقه رواج دهند. برهمین اساس بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب گروهک‌ها از نوپا بودن نظام اسلامی استفاده و مشکلاتی را ایجاد کردند. عراق هم که فکر می‌کرد شرایط برای طرح مجدد اختلافات مرزی فراهم شده است از این گروهک‌ها حمایت می‌کرد. وی می‌افزاید: برخلاف ما که اوایل پیروزی انقلاب درگیر مسائل داخلی بودیم، بعثی‌ها روی مناطق مرزی ما مطالعه کرده بودند. درباره کردستان و کوهستان‌های سربه‌فلک کشیده آن عراق به این نتیجه رسیده بود که بهتر است از حضور فیزیکی در این مناطق اجتناب کند. در عوض ضد انقلاب را علیه نظام اسلامی بشوراند و تقویت کند. این استراتژی دشمن تا زمان شروع رسمی جنگ ادامه داشت.

■ **دفاع ۱۰ساله**

این رزمنده دفاع مقدس در ادامه می‌گوید: پس از پیروزی انقلاب اسلامی ما ۱۰ سال دفاع‌مقدس داشتیم. دو سالش را با ضدانقلاب چه در مرزها و دیگر مناطق و هشت سالش را هم با دشمن بعثی جنگیدیم. اول انقلاب گروه‌هایی به دنبال برهم زدن امنیت و آرامش مردم و منطقه بودند. رزمندگان هم با احساس مسئولیت در مناطق آشوب‌خیز حضور پیدا می‌کردند و با جدایی‌طلب‌ها و ضد انقلاب می‌جنگیدند. رحمتی بیان می‌دارد: قبل از شروع جنگ تحمیلی ۱۹ ماه در مناطق مختلف کردستان درگیری داشتیم و بیشتر فرماندهان ارتش و سپاه، اصول جنگ را در همین درگیری‌ها یاد گرفتند. قبل از اینکه صدام حمله کند ما درگیری‌های مرزی داشتیم. بعثی‌ها به این درگیری‌ها دامن زدند و بعد از شروع رسمی جنگ آن را شعله‌ورتر کردند.

■ **سقوط پاسگاه تنگاب**

رحمتی با یادآوری خاطراتی از شیطنت‌های دشمن بعثی پیش از شروع رسمی جنگ تحمیلی در کردستان می‌گوید: یادم است مهاجمان مسلح‌شده از سوی ارتش عراق برای ناامن کردن مرزها به روستاها حمله می‌کردند. ضربه‌ای می‌زدند یا آدم‌ربایی می‌کردند و دوباره به عراق برمی‌گشتند یا برخی افراد تأثیرگذار را به شهادت می‌رساندند و وضعیت متشنجی در منطقه به وجود می‌آوردند. گاهی هم تبادل آتش ولو کوتاه و محدود بین دو طرف انجام می‌شد. وی می‌افزاید: عراق اگرچه در خود استان کردستان استراتژی زمینگیر کردن نیروهای ما را دنبال می‌کرد، اما در استان کرمانشاه که جزء خطه کردستانات به شمار می‌رود، تجاوز مرزی هم می‌کرد. یعنی واحدهای نظامی‌اش از مرز عبور می‌کردند و منطقه یا پاسگاهی را می‌گرفتند. مثلاً پاسگاه تنگاب در منطقه گیلانغرب پیش از شروع رسمی جنگ سقوط کرد. همان زمان حدود ۴۰ نفر از بچه‌های رزمنده در مرز خسروی مستقر شده بودند تا در صورت حمله احتمالی دشمن جلوی‌شان بایستند. گروه اندرزگو به فرماندهی حسین‌الله‌کرم، ابراهیم هادی و علی صادقی در منطقه نفت‌شهر مستقر بودند. بخشی از نیروهای لشکر زرهی کرمانشاه هم در مرز بودند، ولی تعدادشان کم بود. مردم بومی هم به ما کمک می‌کردند. همین وضعیت بود تا اینکه نهایتاً جنگ شروع شد.

■ **هجرت از کردستان**

این رزمنده دفاع مقدس در خصوص شروع جنگ تحمیلی می‌گوید: زمانی که بعثی‌ها رسماً جنگ را آغاز کردند، احساس کردیم ماندن ما در کردستان فایده‌ای ندارد. چون خود استان کردستان مستقیم مورد حمله دشمن قرار نگرفته بود. بنابراین از کردستان به پادگان شهدای کرمانشاه رفتیم. ظهر که فرودگاه کرمانشاه بمباران شد، ما به طرف مرز حرکت کردیم. ما می‌خواستیم خودمان را به گیلانغرب برسانیم. مناطق مرزی گیلانغرب یکی از محورهای حمله دشمن به استان کرمانشاه بود. رحمتی ادامه می‌دهد: ما که به مرز رسیدیم هنوز عراقی‌ها نیامده بودند. رفته‌رفته تحرکاتشان به سمت گیلانغرب آغاز شد و روز چهارم به دروازه شهر گیلانغرب رسیدند. نیروی عمده‌ای جلوی‌شان نبود و همین طور می‌آمدند. تا باغ فلاحت که باغ معروفی در میدان اول شهر گیلانغرب است، آمدند و آنجا بچه‌ها با آنها درگیر شدند. در همین درگیری چند نفری شهید دادیم. ضعف ما این بود که نظم نداشتیم. هم تعدادمان کم بود

> یادم است مهاجمان مسلح‌شده از سوی ارتش عراق برای ناامن کردن مرزها به روستاها حمله می‌کردند. ضربه‌ای می‌زدند یا آدم‌ربایی می‌کردند و دوباره به عراق برمی‌گشتند. یا برخی افراد تأثیرگذار را به شهادت می‌رساندند و وضعیت متشنجی در منطقه به وجود می‌آوردند

گروه شهید اندرزگو اوایل جنگ در جبهه غرب فعال بود (شهید هادی در تصویر دیده می‌شود)

و هم فرماندهی واحد نداشتیم. هر کسی یا هر گروهی سعی می‌کرد به صورت چریکی با دشمن بجنگد.

■ **توقف دشمن**

رحمتی می‌گوید: مردم در دروازه گیلانغرب با دشمن درگیر شدند و نگذاشتند آنها به داخل شهر نفوذ کنند. هوانیروز هم به کمکمان آمد و ستون تانک‌های دشمن را درهم کوبید. بمباران هوانیروز کمر و ستون زرهی دشمن را شکست. همین سبب شد بخشی از نیروهای دشمن از بین برود و ادوات نظامی‌شان به آتش کشیده شود و مجبور به عقب‌نشینی شوند. حتی خودمان یک توپ ضدهوایی را آوردیم و در سپاه مستقر کردیم و به هوانیروز کرمانشاه و فرمانده‌اش جناب سرهنگ ژیان دادیم. ما آنجا مستقر شدیم و نبردهای پارتیزانی و چریکی از همانجا شروع شد. هر کس با گروه خاص خودش کاری را انجام می‌داد. عشایر با بزرگان منطقه هماهنگ می‌کردند و شب به نیروهای عراقی که مستقر شده بودند، حمله می‌کردند و صبح برمی‌گشتند و به خانه‌هایشان می‌رفتند. تعداد کمی از بچه‌های ارتش، سپاه و ژاندارمری در منطقه مستقر بودند. گروه‌های مردمی در گیلانغرب نیز سازماندهی شدند و مقابل دشمن صف‌آرایی کردند.

■ **گور سفید**

رحمتی با بیان اینکه رفته رفته وضعیت شکننده خطوط درگیری با عقب‌نشینی دشمن تثبیت شد، اظهار می‌دارد: بعثی‌ها با عقب‌نشینی‌شان، به مرور خودشان را پیدا کردند و در روستای گور سفید مستقر شدند و تا بعد از فتح خرمشهر در این روستا بودند. ما چندین عملیات انجام دادیم که در آن به سمت عراقی‌ها می‌رفتیم تا بفهمیم کجا مستقر شده‌اند. نزدیک به ۲۰ تانک عراقی توسط راکت‌های هوانیروز کرمانشاه از بین رفته و در منطقه مانده بود.

عراقی‌ها از آنها به‌عنوان ماکت استفاده می‌کردند تا ما را هنگام حمله گمراه کنند. یکی از عملیات‌هایی که انجام دادیم شهید وصالی هم نقش مهمی در آن داشت. دو روز قبل برای شناسایی رفتیم و روز عاشورا به تنگه حاجیان یورش بردیم تا عراقی‌ها را پس بزنیم و عقب بروند و آن نقطه سوق‌الجیشی را پس بگیریم. به تنگه حاجیان حمله کردیم و دشمن با قناسه به پیشانی شهید وصالی تیر زد و ایشان روز عاشورا شهید شد. انسان بسیار متفکری در جنگ بود. هنگام شهادت کنار ایشان بودم. وی می‌افزاید: برای اینکه جبهه فعال بماند و رکود پیدا نکند، عملیات‌های متعدد چریکی داشتیم. یک روز برای شناسایی رفتیم و دو گروه شدیم. یک گروه می‌خواست از رودخانه گیلانغرب به سمت تنگه حاجیان برود تا در گور سفید به دشمن ضربه بزند. ما که از داخل رودخانه می‌رفتیم یکی از خودروهای‌مان متأسفانه دیرتر آمد و فکر کرد ما با عراقی‌ها درگیر شده‌ایم. این وضعیت که پیش آمد بچه‌ها با سرعت به دل دشمن زدند و همانجا درگیر شدند. شهیدعبدالرضا زنگنه، شهیداکبرنژاد، شهیدعلی زبونی و فریبرز خسروی و تعداد دیگری از بچه‌ها برای نجات ما آمدند و فکر کردند ما در محاصره قرار گرفته‌ایم. از سمت جنوبی گور سفید می‌خواستند وارد شوند و در آن شرایط هوانیروز هم حمله کرده بود و مقرهای دشمن را می‌زد. در آن لحظه عراقی‌ها هم با خمپاره و توپ نیروهای ما را می‌زدند. یکی از گلوله‌ها بین بچه‌ها افتاد و تعدادی از آنها به شهادت رسیدند. ما شب که به مقر سپاه برگشتیم به ما گفتند چند نفر از بچه‌ها شهید شده‌اند. مانده بودیم چه کار کنیم. دنبال قرآن می‌گشتیم تا ببینیم صلاح است که دنبال پیکر شهیدان برویم یا نه. تعدادمان زیاد نبود و نمی‌خواستیم دیگر تلفات بدهیم. در نهایت بچه‌ها به این نتیجه رسیدند که پیکر مطهر شهدا را بیاوریم. ما رفتیم. وقتی به محل شهادت رزمندگان رسیدیم دیدیم بدن شهدا تکه‌تکه شده و روی زمین افتاده است. هر کدام از ما یکی از پیکر مطهر شهدا را روی دوش انداختیم و چند کیلومتر با خودمان آوردیم. در آخر پیکرها را داخل یکی از خودروها گذاشتیم و به داخل شهرهای خودشان منتقل کردیم. اوایل دفاع مقدس چنین وضعیتی داشتیم و بچه‌ها با کمترین امکانات در عین مظلومیت با دشمن می‌جنگیدند.

وادی

معرفی کتاب «سفیر ثامن»

شهید سربریده ارتش در دفاع از حرم

■ **غلامحسین بهبودی**

کتاب «سفیر ثامن» زندگینامه داستانی ستوان سوم شهید سیدمهدی جودی ثانی به معرفی یکی از شهدای مدافع حرم می‌پردازد. او از جمله شهدای ارتش در دفاع از حرم است که به دلیل اصابت موشک کاتیوشا با وی، بالا تنه و خصوصاً سرش تکه تکه می‌شود. معرفی کتاب سفیر ثامن را پیش‌رو دارید.

■■■

■ **طرح جلد**

جلد کتاب سفیر ثامن که به قلم سمانه خاکبازی و از سوی انتشارات سوره سبز منتشر شده است، طرحی ساده دارد. تصویر شهید در پس زمینه سفید جلد نشسته و به بیننده لبخند می‌زند.

شاید می‌شد طرح کتاب را بهتر از آب درآورد. نوشته «زندگینامه داستانی شهید سربریده ارتش در دفاع از حرم اهل بیت(ع) ستوان سوم سید مهدی جودی ثانی» همین قدر طولانی روی جلد درج شده و چندان مطلوب نیست.

کتاب را که ورق می‌زنیم، اطلاعات شناسنامه‌ای از شهید و تاریخ تولد و

> اطلاعات شناسنامه‌ای شهید و تاریخ تولد و شهادتش در همان ابتدای کتاب دیده می‌شود. سیدمهدی متولد ۱۲ تیر ۱۳۶۲ در شهرستان دره گز بود که ۲۰ تیر ۱۳۹۶ در حلب سوریه به شهادت رسید؛ یکی از شهدای مظلوم ارتش در جبهه مظلوم دفاع از حرم

شهادتش در همان ابتدای کتاب دیده می‌شود. سیدمهدی متولد ۱۲ تیر ۱۳۶۲ در شهرستان دره گز بود که ۲۰ تیر ۱۳۹۶ در حلب سوریه به شهادت رسید.

یکی از شهدای مظلوم ارتش در جبهه مظلوم دفاع از حرم که اگر نبود جانفشانی شهدایی چون سیدمهدی، شاید امروز باید طور دیگری از حوادث آن می‌نوشتیم و می‌خواندیم.

■ **سیر تاریخی**

نویسنده، داستان زندگی شهید را از بدو تولدش شروع می‌کند. توالی خاطرات و حوادث سیری تاریخی دارد. نویسنده قلم گرمی دارد و مشخص است برای نگارش کتاب با چند راوی گفت‌وگو کرده است.

در همان بخش‌های ابتدایی کتاب می‌خوانیم: «صدای گریه نوزاد خانه را برداشته بود. نور خورشید از میان پنجره تا نیمه‌های فرش افتاده بود. پدر با خوشحالی نوزاد را بغل گرفته بود و نگاهش می‌کرد. دوست داشت نوه‌اش پسر باشد...»

شهید جودی در یک خانواده مذهبی و سنتی متولد می‌شود.

خانواده‌ای که در کنار تقید مذهبی به تاریخ کهن ایران نیز توجه دارد. مهدی از کودکی با ماجرای سردار ایرانی آریو برزن آشنا می‌شود و او را یکی از قهرمان‌های زندگی‌اش قرار می‌دهد: «سید مهدی هم بالای بالش‌های روی هم ریخته ایستاده و پتویی را روی شانه‌اش مثل شنل انداخته بود... لبخندی زد و با ذوق کودکانه‌ای گفت مامان، من آلیو بلزنم.»

■ **زندگی ۳۴ ساله**

سیدمهدی ۳۴ سال زندگی زمینی داشت. او که از جوانی وارد ارتش شده بود، زندگی‌اش را در مسیری قرار می‌دهد که او را به شهادت سوق می‌دهد.

کتاب سفیر ثامن حدود ۱۰۰ صفحه دارد و در همین مجال کوتاه، نویسنده سعی دارد تا فراز و فرودهای زندگی این شهید مدافع حرم را به خواننده معرفی کند. اعزام به سوریه برای دفاع از حرم، یکی از بخش‌های مهم و تأثیرگذار زندگی شهید جودی است.

رزمندگان اعزامی ارتش به دفاع از حرم، همگی داوطلبانه قدم به این کارزار گذاشته بودند و تصاویر شهید که در بخش انتهایی کتاب قرار دارند، همگی با لبخند هستند و نشان می‌دهند او با چه انگیزه‌هایی قدم در این میدان مبارزه گذاشته بود.

در پایان بخشی از کتاب را با هم می‌خوانیم: «بدون معطلی گفت: اگه اتفاقی برای پسرم افتاده، به من بگید. من توان شنیدنش رو دارم. صدا مکث کرد و گفت: پسرتون عاشق شهادت بود... صدا را نمی‌شنید. لازم به شنیدن نبود. مطلب را گرفت. گفت: من می‌رم خونه...»

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۵۷۹

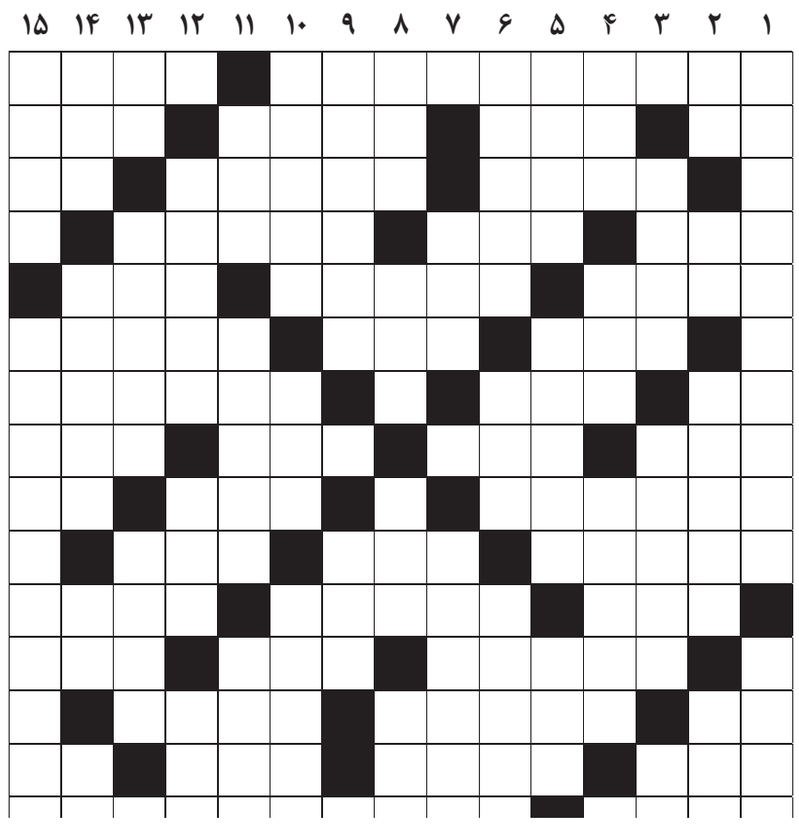

از راست به چپ

■ ۱- ساز عرفانی- ملقب به معلم ثانی که موسس فلسفه اسلامی است ■ ۲- عنصر مقدس نزد زرتشتیان- ندا دهنده غیبی- دشمن سخت- از بخشش کم نمی‌شود ■ ۳- برکارترین مفصل بدن- نت میانی- کافی- جا و مکان ■ ۴- گودال- درجه و رتبه- درد چشم ■ ۵- یار سوزن- فدراسیون بین‌المللی دوومیدانی- اثر شیخ بهایی- ناشنوا ■ ۶- دعای زیرلب- غذای تزریقی- هراس- علت و موجب ■ ۷- بیان ارزش کالا بر حسب ارزش اسمی پول- بهابازار ■ ۸- مادر لر- گشوده- دستور- نفس خسته- علامت مصدر جعلی ■ ۹- آخرین حرف الفبای یونانی- ماده ضد میکروب مترشحه از گلبول‌های سفید ■ ۱۰- مشورت- صدای موتور نامیزان- آتش- شیارهای داخل لوله تفنگ ■ ۱۱- حمله نظامی- مسیحی- پارچه‌ای برای پرده- پوزه ■ ۱۲- هوش و عقل- تاریک- خوردنی نامأکول ■ ۱۳- نفت تصفیه‌نشده- شاه بی شین!- کنار و پهلو- اسلحه ساخت چک ■ ۱۴- سوره نود- داخل صدف- خط تماس- طناب محکم ■ ۱۵- بازیگر مجموعه تلویزیونی گاندو- همسایه تهران

از بالا به پایین

■ ۱- رمانی از ارنست همینگوی- مدافع فوتبال ■ ۲- پلیس فضای مجازی- حیوان بارکش- از نوشته‌های تسوایک- جای خالی از هوا ■ ۳- جامه بدون آستین- تصدیق روسی- جرب- خدمتگزار ■ ۴- همراه هوی- جایز- مقابلِ سفت و سخت ■ ۵- میوه خوب- دشنام- سرگرمی منجمان- ماه سرد ■ ۶- نهنگ- از صادرات زیبای ایران زمین- کلمه سوالی- پول معتبر ■ ۷- حاصل زاد و ولد دام‌ها- نمایش کوتاه ■ ۸- از سوره‌های قرآن- صدمه- پیروان یک دین- یازده- قدم یک‌پا ■ ۹- جایگاهی است که همه انسان ها رسیدن به آن را آرزو می کنند- همسایه ■ ۱۰- پولک ماهی- وزیر خارجه اسبق امریکا- پول تایلند- شک ■ ۱۱- اسم آذری- ملیت گوگول- کاشف گردش خون- بوی ماندگی ■ ۱۲- صورت فلکی بره- مکانی در زندان‌ها- رودست خوردن ■ ۱۳- بارقه‌اش گاهی می‌درخشد- نوراندک- آب منجمد- شکل استوانه‌ای ■ ۱۴- از پرندگان شکاری- مار بسیار خطرناک- یک لحظه- کرکس ■ ۱۵- پهلوان- کشوری در جنوب غربی آسیا

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

						۹	۸	۶
			۷		۶			
	۲	۱						
۴						۶	۳	۵
			۴		۳	۲		
۱		۸						
		۷		۸	۹			
				۴		۳	۵	۷
	۱	۵						

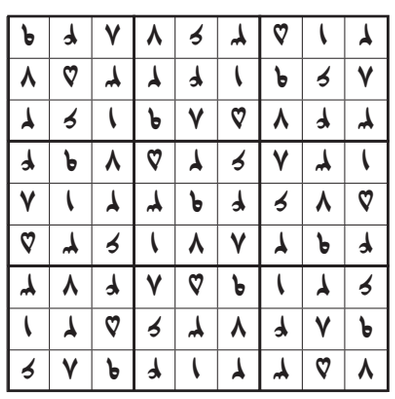

جدول کلمات متقاطع

پاسخ جدول شماره ۶۵۷۸